

## مضحکه انتخابات مجلس اسلامی

"انتخابات" رژیم را با اعتراض گسترده درهم بکوبیم!

## انقلاب ۵۷ و روایت های چپ و راست

صفحه ۴

آذر ماجدی

## نظام سرمایه داری محیط زیست انسانها را

در آستانه نابودی قرار داده است!

در باره سند مصوب کنگره نهم حزب

گفتگو با ملکه عزتی و پروین کابلی

## نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست برگزار شد

"انتخابات بی انتخابات" رای مردم سرنگونی است!

صفحه ۱۰

سعید یگانه

## ما کجای انقلاب ۵۷ ایستاده ایم؟

صفحه ۱۱

وریا روشنفکر

## ویروس کرونا چیست و چقدر باید نگران باشیم؟

ترجمه از: جمال کمانگر

روزنامه گاردین سوم فوریه ۲۰۲۰

## اسلام دین وحشت و خشونت جنسی علیه زنان

۵۲۹

# مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۸ بهمن ۱۳۹۸ - ۷ فوریه ۲۰۲۰

## "انتخابات"

## چه باید کرد؟

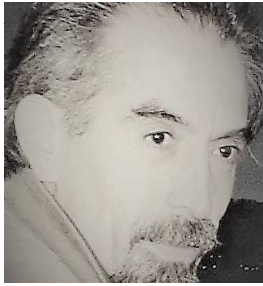
در ایران امروز هر سوال و مسئله ای درخود و به اعتبار چهارچوبهای قدیمی آن قابل توضیح و تبیین نیست یا دستکم ناکافی است. جامعه ای که بدنبال چند دهه جدال بیوقفه خیزشهای توده ای و سهمگین دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ را پشت سر گذاشته است، نمیتواند از عینک ماقبل این رویدادهای تعیین کننده به مسائل نگاه کند. حقایقی که کمونیستها و احزابی مانند ما در باره ماهیت و محتوای مضحکه "انتخابات" گفته اند، مدتهاست یک داده و فرض سیاست ایران است. امروز گفتن صرف این انتخابات نیست، این یک نمایش مُضحک کرونولوژیک برای کسب مشروعیت فرمال حقوقی است، این بند و بست جناحها و باندهای اسلامی برای تعیین سهم هر کدام در کابینه و کرسیهای مجلس لفت و لیس است، این توهین به شعور مردم است، شرکت در انتخابات با هر محاسبه ای اشتباه است و تنها ماشین سرکوب را روغنکاری میکند، اگرچه حقایق عمیقی را بیان میکند اما از اوضاع عقب است. باید روی دوش این حقایق اثبات شده و به آگاهی وسیع بدل شده فراتر رفت. باید سیاست و تاکتیکی در برخورد به انتخابات داشت که با وضعیت سیاسی ایران، موقعیت بحرانی و شکننده رژیم

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## "انتخابات"

### چه باید کرد؟ ...



اصلاح طلبان حکومتی و پائی در جهان دول غربی برای "رژیم چینج" دارند، نیز از تحریم و بعضا تحریم فعال سخن میگویند. بیانیه هائی منتشر و امضا کردند و سیاستهای شکست خورده پیشین را در بسته بندی جدیدی به بازار آورده اند. "فراخوان ۱۶۴ فعال برون مرزی برای کارزار تحریم فعال انتخابات و اسفند بدون رای" نمونه تئپیکی از نهایت "رادیکالیزه"

شدن این طیف است. این بیانیه بعد از مقدار زیادی آه و ناله در باب "غیر رقابتی بودن انتخابات"، "عدم تناسب با منافع ملی" و تمجید مذهبی-گونه صندوق رای، از "تحریم فعال انتخابات" سخن میگوید و از جمله شعار «رای ما، آری» به انتخابات آزاد برای مجلس موسسان» با اتکا به "نافرمانی مدنی" را مطرح کرده اند.

خُب، در نگاه اول ظاهراً سیاست "تحریم فعال انتخابات" در قیاس با سینه چاک کردن برای خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی و دفاع از "جمهوریت نظام" و "مقابله با خشونت انقلابی" پیشرفتی محسوب میشود. اما واقعیت اینست که سیاستهای اساسی این طیف ملیگرا-اصلاح طلب- توده‌ایست "تغییر" نکرده است بلکه این تغییر معادله سیاست و تبدیل شدن سرنگونی طلبی به بستر اصلی سیاست ایران است که درجهای انطباق تاکتیکی را به این طیف تحمیل کرده است. سخنان امثال تاج زاده و فائزه رفسنجانی و عناصر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هنوز از این بیانیه "چپ‌تر" بنظر میرسد. سیاست واقعی این طیف تقابل با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است، هنوز امیدوارند با گسترش "نافرمانی مدنی" به "زوال استبداد دینی" برسند، از سرنگونی وحشت دارند و در رویای تامین شرایط برای دولت انتقالی و "انتخابات آزاد برای مجلس موسسان" سیر میکنند. "مجلس ملی"، "مجلس موسسان"، نام دیگر مجلس نمایندگان طبقه بورژوازی برای اعاده نظم است، نه ربطی به امر آزادی دارد و نه سرسوزنی به اختیار و دخالت آزاد، مستمر و مستقیم شهروندان در سرنوشت سیاسی‌شان مربوط است. این سنگر و آخرین خندق بورژوازی برای تقابل با روند انقلابی و بازسازی حکومت بورژوازی برای تامین "منافع ملی" یعنی منافع همان دزدان و استثمارگران است.

ما بعنوان کمونیست کارگری و حکمتیست همواره گفته‌ایم و تاکید کرده‌ایم که در هیچ جای تاریخ واقعی، آزادی از صندوق رای حاصل نشده است. صندوق رای بخودی خود برای کسی آزادی و برابری و حرمت و حقوق نمی‌آورد. صندوق رای و انتخابات، آنهم نه انتخابات بورژوازی که نماد سلب اراده از شهروندان است بلکه انتخاب مستمر و مستقیم شهروندان آزاد در سیستم حکومتی مبتنی بر شوراها، میتواند منعکس کننده و نماینده انتخاب آزاد و اعمال اراده مردم باشد. وانگهی در یک جامعه در حال تحول و جنگ برسر بود و نبود یک نظام، انتخابات انتهای یک پروسه سیاسی مادی و واقعی است نه برعکس آنطور که جمهوریخواهان و ملیون و اصلاح طلبان ایرانی ادعا دارند. صندوق رای و "انتخابات آزاد" مد نظر این حضرات سیاست تقابل با روند انقلابی، کوتاه کردن دست مردم "عادی" از سیاست و واگذاری آن به "نخبگان"، سیاست تحمیل نقطه سازش بورژوازی به پرولتاریا در دوره انقلابی

اسلامی، تناسب قوای واقعی در جامعه و صفبندیهای طبقاتی منطبق باشد.

یک مسئله بسیار روشن است و آن اینست که این حکومت حتی اگر بتواند این نمایش کریه به زعامت خامنه‌ای جلاد را برگزار کند، یک از بی‌رونق‌ترین به اصطلاح "انتخابات"ها است و حکومت اسلامی طی آن با هر تقلب و رای سازی و آمار جعلی، نمیتواند به هدف سیاسی‌اش برسد. قیافه زار و التماس خامنه ای و روحانی و خاتمی تا کل ابواب جمعی هیئت حاکمه اسلامی از مردم برای "شرکت در انتخابات"، "قهر نکردن با صندوق رای"، "رای دادن بخاطر ایران" و چرندیاتی از این دست، بسادگی منعکس کننده رابطه آنتاگونیزه جامعه با حکومت و موقعیت متزلزل و ناپایدار رژیم اسلامی است. بعد از دو سه هفته نمایش جدال جناحی برسر رد صلاحیت کاندیداها برای گرم کردن تنور انتخابات، حال سیاست غلغلک دادن روحیات عقبمانده ناسیونالیستی و تاکید روی منافع اقشاری که در تداوم جمهوری اسلامی ذینفعند شروع شده است. سخنان روز چهارشنبه خامنه ای مبنی بر اینکه "اگر کسی از بنده خوشش نمی آید بخاطر ایران باید شرکت کند و رای بدهد"، اگرچه مثل قیافه منحوس وی و دروغهای سیستماتیک حکومتی تکراری بود اما از منطق بازی روی الاکلنگ اسلام- ناسیونالیسم تبعیت میکرد. امری که در صد سال گذشته سیاست ایران بدرجات مختلف حاکم بوده است. ناسیونالیسم ایرانی از اسلام برای توجیه "منفعت ملی" بهره جسته و اسلام هر جا کم آورده به ناسیونالیسم آویزان شده است و صد سال است که از کارخانه اسلام و ناسیونالیسم دیکتاتوری پشت دیکتاتوری تحویل مردم ایران داده شده است. تمایلات عقبمانده و ارتجاعی ای که برای کشته شدن قاسم سلیمانی به غلیان درآمد در مناسبتهای مضحکه انتخابات مورد استفاده خامنه‌ای "الدنگ" قرار میگیرد. اما این تیر هم به سنگ میخورد. هر کسی با هر دلیلی از جمله "بخاطر ایران" به جنایتکاران دستچین شده و حساب پس داده برای مجلس اسلامی "رای" میدهد، دارد به جنایت حکومت خامنه ای‌ها مهر تائید میزند.

#### سیاست "تحریم"، "تحریم فعال"

مؤلفه‌های وضعیت سیاسی و امواج نفرت عمومی از حکومت اسلامی بسیاری را که جزو مبلغین سینه چاک شرکت در انتخابات در دوره‌های گذشته بودند، دچار تردید کرده است. تعدادی از احزاب و سازمانهای ناسیونالیست کرد که مشغول مذاکره و بند و بست با افراد دست چندم سپاه و اطلاعات حکومت‌اند، اطلاعاتی بی خاصیت مبنی بر تحریم صادر کرده اند. اطلاعاتی که بیشتر قرار است دل حکومت را نرنجاند و محاسبه‌های کاسبکارانه در قبال جامعه کردستان دارد. جریانات و عناصر ملی اسلامی، جمهوریخواه، دیروز حکومتی که هنوز برطبل توخالی "گذار مسالمت آمیز" می‌کوبند و پائی در دنیای

در کنار خامنه ای‌ها و علیه جنبش انقلابی برای سرنوشتی رژیم اسلامی ایستاده است و باید پاسخگو باشد. در جایی که خود حکومتی‌ها نمایش مضحک انتخابات و صدور صلاحیت را به بیزنس و رشوه گیری و فساد اندر فساد دیگری بدل کرده اند، حضور هر شهروند در این نمایش هیچ توجیهی ندارد. ما می‌گوئیم به قاتلین و شکنجه‌گران فرزندانمان، به زندانبانان و استثمارگران، اوباش سیاسی و نظامی حکومت نباید "رای" داد. ما می‌گوئیم همه جا پوسترها، بیلبردها و تبلیغات این فرصت طلبان و کاسه لیسان را پائین بکشید، آتش بزنید و مشت محکمی بر دهان خامنه‌ای بکوبید. ما می‌گوئیم در مناطق و شهرها و روستاها با ابتکارات مختلف رسماً به دشمنان قسم خورده مردم تحت عنوان "کاندیداهای مجلس" هشدار بدهید که عقب بکشند و بیش از این خود را شریک جنایت حکومت نکنند. ما می‌گوئیم صندوقهای عوامفریبی و تقلب شان را درهم بکوبید و بر سرشان خراب کنید. ما می‌گوئیم واضح است که در این مضحکه نباید شرکت کرد اما در قبال آن پاسیو نباید بود بلکه یک سیاست تعرضی بیش از هر زمان ضروری است. ما می‌گوئیم ۱۵۰۰ کشته آبان ما و بیش از ۷۰۰۰ زندانی و جنایت علیه مردم بی‌دفاع و مسافر و دستفروش و کودک کار را فراموش نکردیم و اجازه نمیدهیم روی سنگفرش خون راه بروید و رژیم فاشیست‌های اسلامی را مَرمت کنید. ما می‌گوئیم در جدال بشدت قطبی در ایران باید این مناسبت را به تعرضی درخور برای برچیدن نظم چرک و کثافت اسلامی سرمایه داران بدل کرد. در این جدال اجازه نمیدهیم صف دوستان و دشمنان مردم مخدوش شود. مناسبت و روز "انتخابات" را به اعتراضی همه جانبه تبدیل کنیم و برای سرنوشتی انقلابی کل بنیادهای حکومت استبداد و استثمار سنگرهایمان را محکم کنیم. ما می‌گوئیم امواج انقلابی کارگری و توده‌ای در کمین‌اند و حکومت فقر و فلاکت اسلامی راه فرار ندارد، دوباره برمی‌خیزیم و کارشان را یکسره می‌کنیم.

سردبیر.

۱۷ بهمن ۱۳۸۹

## "انتخابات"

### چه باید کرد؟ ...

است.

#### سیاست انقلابی و کمونیستی

"تحریم و تحریم فعال" سیاست انقلابی و کمونیستی نیست. کسی که می‌گوید تحریم می‌کنم، فرض ننگفته و ننوشته‌اش اینست که اساس نظم را قبول دارد و صرفاً نارضایتی‌اش در قبال یک حرکت خاص و اینجا "انتخابات غیر رقابتی" را تاکید می‌کند. سیاست کمونیستی و انقلابی همواره بر عدم شرکت و نه عدم دخالت تاکید داشته و نقطه عزیمت آن نامشروع بودن کل نظام و به طریق اولی مضحکه انتخابات آنتست. ما می‌گوئیم کارگران و اردوی آزادیخواه در انتخابات رژیم شرکت نمی‌کنند اما در آن دخالت می‌کنند و سیاست دیرین خود مبنی بر نامشروع بودن این نظام و تلاش برای سرنوشتی را پی می‌گیرند. ما می‌گوئیم در تداوم خیزش‌های انقلابی آبانماه برای درهم کوبیدن این نظام جنایتکار و در شرایطی که هنوز هزاران نفر از فرزندان ما در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم اسلامی اسپرند، مناسبت مضحکه انتخابات و روز آنرا به حرکتی اعتراضی برای شکست سیاست‌های حکومت و مانورهای انتخاباتی‌اش بدل کنیم. ما می‌گوئیم در هیچ دانشگاه، منطقه و شهری اجازه ابراز وجود به قاتلین فرزندانمان ندهیم و هر مناسک انتخاباتی را به صحنه اعتراض ضد حکومتی بدل کنیم. ما می‌گوئیم باید کاری کنیم که اساساً این نمایش مضحک اجرا نشود و اگر هم برگزار شد به یک شکست و عقب نشینی دیگر برای حکومت اسلامی بدل شود. ما می‌گوئیم هر کسی که به هر دلیلی در این نمایش کاندید میشود

### "انتخابات" رژیم را با اعتراض گسترده درهم بکوبیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را فرامیخواند که نمایش "انتخابات" مجلس جنایتکاران را به اعتراضی گسترده و میلیتانت علیه بنیادهای حکومت اسلامی بدل کنیم. نه فقط به رژیم قاتلین فرزندانمان آگاهانه رای نمیدهیم و آنرا برسمیت نمی‌شناسیم، بلکه هدفمان را باید اعتراض تند و جمع کردن هر کمپین "انتخاباتی" در محلات و حوزه‌های انتخابی در هر شهر و روستا بگذاریم. اولاً، باید به کسانی که برای این سفره خون ثبت نام کرده اند هشدار داد و معنی کارشان را بعد از کشتار آبانماه به آنها فهماند. ثانیاً، اجازه نباید داد که کارنوال انتخاباتی راه بیاندازند، تریبون بگیرند و چرند بگویند و به زخم مردم نمک بپاشند. هر تحرک "انتخاباتی" را به تعرضی قاطع تبدیل کنیم. این ابواب جمعی رژیم اسلامی هستند که روی خونهای ریخته شده راه می‌روند و برای نمایندگی حکومت سرکوبگران و شکنجه‌گران و مجلس قاتلین کاندیدا میشوند. ما این وقاحت را نباید تحمل کنیم و تحمل نمی‌کنیم. ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به اعتراض سراسری با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" در این روز فرامیخوانیم. اینها در موضع انتخاب شدن نیستند بلکه باید بعنوان متهمین به جنایت و کشتار جمعی مردم ایران پشت میز محاکمه نشاندند شوند!



## انقلاب ۵۷ و روایت های چپ و راست

آذر ماجدی

درک نکردند!" بعبارت دیگر مردم از دو سو محکوم می شوند. ابتدا انقلابشان را ملاحور می کنند و سپس نتایج دردناک و خونین سناریوی دست پخت شان را بپای خود مردم و بویژه نیروهای چپ می نویسند. زیرکند و قدرتمند، پس چه باک! هر اراجیفی که بتوانند بخورد جامعه می دهند.

وقتی پاسخ می دهی که مردم انقلاب کردند چون در پایان قرن بیست دیگر ساواک و شکنجه و اعدام نمی خواستند؛ چون از نابرابری و فقر و حاشیه نشینی و استعمار خشن جانشان به لب رسیده بود؛ از دزدی و فساد خسته و بیزار شده بودند؛ زیرا از تحقیر هر سرکار استوار محل، هر مامور خود فروخته ساواک و روشنفکران نان به نرخ روز خور چکمه بوس حالشان بهم می خورد؛ مردم انقلاب کردند چون آزادی، برابری و رفاه می خواستند؛ با شگفتی به شما می نگرند و می گویند در زمان شاه که "فقر وجود نداشت"، "جامعه مدرن بود"، زنان آزاد شده بودند و شاه به آنها حقوق بسیاری تفویض کرده بود!" خود میگویند و خود باورشان می شود. رژیم ضد انقلاب اسلامی آنچنان سرکوب و کشتاری سازمان داد؛ آنچنان فقر و فلاکتی را به مردم تحمیل کرد؛ آنچنان انتقامی از مردم بپا خاسته گرفت که به این ژورنالیست های نعلین بوس امکان داد تا این چنین دروغ های شاخداری را در روز روشن تحویل مردم دهند.

سپس با نگاهی تحلیلی گرانه می پرسند پس مذهب چی؟ شما نقش مذهب را نادیده می گیرید. مردم بشدت مذهبی بودند. اگر بگویید که جنبش اسلامی را غرب به مردم تحمیل کرد؛ مردم برای مذهب قیام نکردند؛ این روایت دست راستی از انقلاب ۵۷ است؛ مردم انقلاب نکردند تا یک رژیم استبداد اسلامی را جانشین نظام استبداد سلطنتی کنند. شما را به طرفداری از "تنوری توطئه" متهم می کنند. حتی به آسانی چشماتشان را به اسناد منتشر شده سازمان سیا نیز می بندند. اینها از نظر آنها فاکت نیست. مساجدی که به لطف نظام سرکوب سلطنت در سر هر کوچه و برزن سر برآورده بود را بعنوان فاکت جلوی شما می گذارند.

### زنان آزاد شده بودند!

به یمن ایدئولوژی قرون وسطایی و زن ستیز اسلامی که طی چهل سال به در و دیوار زد تا زنان را در حجاب سیاه ببوشاند و یک آپارتاید جنسی را در جامعه حاکم کند، این رویان دست راستی امکان یافته اند تا دوران پیش از انقلاب را به عرش اعلاء ببرند. تا دروغی شاخدار را تحویل جامعه دهند که زنان تحت نظام شاه آزاد بودند و به برابری های بسیار دست یافته بودند. تنها باصطلاح فاکتی هم که جلوی شما می گذارند، حق رای و قانون حمایت خانواده است. حال بیابیم منصفانه نگاهی به آن دوره بیاندازیم؛ آیا زنان در دوره شاه آزاد بودند؟

اول حق رای. در جامعه استبدادی که مجلس اش یک جوک نمایشی بود و مرد نیز عملاً از حق رای بی بهره بود، "اعطای حق رای به زنان" آیا واقعا دستاورد محسوب می شود؟ روشن است حتی

به سالگرد انقلاب ۵۷ نزدیک می شویم و در شرایطی که جامعه در آستانه انقلاب دیگری قرار دارد، بازبینی انقلاب عظیمی که شکست فاحشی خورد بیش از پیش موضوعیت یافته است. بویژه جریانات راست که هراس یک انقلاب کمونیستی خواب از چشمانشان ربوده است، می کوشند با ارائه روایت های دروغین و متافیزیکی باصطلاح روشنفکرانه راه انقلابی دیگر را سد کنند. جامعه بشدت قطبی است؛ طبقه کارگر از خودآگاهی بالایی برخوردار است؛ نسل جوان از هوشیاری و آگاهی سیاسی بسیار بالاتری از نسل جوان ۵۷ برخوردار است؛ شعارهای چپ و خواست ایجاد یک جامعه آزاد، برابر و مرفه حتی در پس اختناق و سرکوب شدید بروشنی عیان است.

در چنین شرایطی تحمیل یک ضد انقلاب راست به جنبش رادیکال سرنگونی، اگر نه غیرممکن، امری بسیار پیچیده است. سناریوهای رژیم چچی به آسانی قابل پیاده شدن نیست؛ آنگونه که در سال ۵۷ دولت های غربی بسرکردگی آمریکا موفق شدند در مدتی کوتاه یک سناریوی رژیم چچی محیرالعقول را به جنبش سرنگونی تحمیل کنند. موفق شدند که متعفن ترین، پوسیده ترین و عقب افتاده ترین جنبش اجتماعی را به رهبری انقلابی که برای یک جامعه آزاد، برابر و عادلانه شکل گرفته بود سوار کنند. توانستند یک خیزش عظیم توده ای آزادیخواهان را ظرف دو سال به خون کشند و جامعه را به قهقرای عقب ماندگی، خرافه، فقر و فلاکت سوق دهند. سناریوی سرکوب انقلاب به اسم انقلاب در ایران چهل سال پیش با تردستی اجرایی شد.

اکنون دو سال پس از آغاز خیزش عظیم مردم در بیش از صد و سی شهر با شعارهای روشن سرنگونی طلبانه و در شرایطی که طبقه کارگر وسیعاً به میدان آمد و به راس جامعه عروج کرد؛ در شرایطی که برای اولین بار در تاریخ ایران رهبران کارگری در قامت رهبران جامعه ظاهر گردیدند و به رهبرانی سرشناس و خوشنام بدل شدند؛ در جامعه ای که شعار اداره شورایی بعنوان بدیل سیاسی از گوشه و کنار به گوش میرسد؛ بورژوازی می کوشد که با ترفند های مختلف روایتی کاملاً دروغین و راست از گذشته، حال و آینده را به مردم حفته کند. در این میان رسانه های متعدد دست راستی در تکاپوی پمپاژ کردن جامعه با تحلیلهای سیاسی باصطلاح روشنفکرانه و آکادمیک و ارائه دروغ بجای فاکت هستند. تماشای تلویزیون های دست راستی در این هفته خالی از لطف نخواهد بود. از بی بی سی تا صدای آمریکا، و کلیه کانالهای رنگارنگ دست راستی خواهند کوشید انقلاب ۵۷ را یک اشتباه مهلک بخوانند و نتایج سیاه شکست آنرا به گردن چپ بیاندازند!

### مردم چرا انقلاب کردند؟

این اولین سوالی است که طرح می شود. با حیرت و شگفتی می پرسند: مردم چرا انقلاب کردند؟ این یک سوال واقعی نیست؛ چرا که می خواهند الفاء کنند "مردم خوشی زیر دلشان زده بود"، "نمک شناس بودند"، "عقب مانده بودند و پیشرفت های نظام سلطنتی را

تنوریک نشوم! وقت بسیار کمی برای پاسخ داشتیم. لذا خیلی کوتاه پاسخ دادیم. نقد منصور حکمت از دموکراسی از زاویه دفاع از استبداد نبود؛ او از آزادی کامل تمام شهروندان دفاع میکرد و دموکراسی با این نظر خوانایی ندارد. دموکراسی پارلمانی بمعنای آزادی نیست. تعداد معدودی برای چند سال انتخاب می شوند تا دمار از روزگار انسان کارگر و زحمتکش و شهروند عادی دریاورند. به مهد دموکراسی، اروپا نگاه کنید، ببینید که چگونه همین دموکراسی پارلمانی فقر و بدبختی و سرکوب شهروندان را تصویب می کند.

این مصاحبه یکبار دیگر تحلیل و نظرم درباره شرایط کنونی جامعه و ترس و هراس بورژوازی جهانی از آینده ایران را باثبات رساند. شیخ کمونیسیم بر فراز جامعه در گشت و گذار است. از خامنه‌ای و روحانی و پادوهای دست اول و دوم رژیم تا اصلاح طلبان حکومتی با لقب دکتر و استاد، تا تمام ژورنالیست ها و آکادمیسین ها و ایدئولوگ های نان به نرخ روز خور در تلاش بی اعتبار کردن کمونیسیم و جامعه کمونیستی اند. اما با اینهمه قدرت سرکوب و حمام خون به راه انداختن، با این امکانات وسیع تبلیغاتی و رسانه ای، با این همه امکانات مادی و با این میزان تلاش برای ارائه روایت راست از تحولات جامعه و کوبیدن کمونیسیم جامعه روز به روز بیشتر به سوی آلترناتیو کمونیستی گرایش پیدا می کند. خواست شورا که خواستی کاملاً کمونیستی است بر سر در جامعه نقش بسته است. نفرتشان از کمونیسیم و منصور حکمت بیگران است. و این نفرت و هراس از وجنات شان بیرون میزند.

مردم چهل و یک سال پیش برای آزادی، برابری و رفاه انقلاب کردند. بورژوازی جهانی با توطئه رژیم چنجی خونین را به جامعه تحمیل کرد. اکنون بار دیگر مردم کارگر و زحمتکش و محروم، جوانان و زنان آزادیخواه و برابری طلب بپاخاسته اند تا این خواست ها را متحقق کنند. و این بار رژیم چنج کار ساده ای نیست. جامعه آگاه تر و هوشیار تر از آنست که بتوان یک رژیم چنج دیگر را به آن تحمیل کرد.\*

۷ فوریه ۲۰۲۰



## انقلاب ۵۷ و روایت های

### چپ و راست ...

برخورداری فرمال از حق رای از نداشتن آن بهتر است، اما این حق رای حقی پوچ و بی معنا بود. یک حرکت نمایشی برای ورود به نظام سرمایه داری بود. همراه با اصلاحات ارضی که عملاً حکم انباشت اولیه نظام سرمایه داری را داشت، زدودن برخی از محدودیت های شرکت زنان در بازار کار نیز در همان چهارچوب بود. نیروی کار روستائیان برای استثمار در کارخانه ها باید آزاد می شد؛ نیروی کار زنان نیز بهمین شکل. البته اصلاحات حقوقی در مورد زنان بسیار ناچیز بود.

دوم قانون حمایت خانواده. رژیم سابقی ها و تمام مزدبگیران دستگاه تبلیغات دست راستی، بویژه در شرایطی که زنان در صف اول مبارزات علیه رژیم اسلامی قرار گرفته اند؛ در جامعه ای که یک جنبش آزادی زن قوی چهل سال است مبارزه می کند و کوتاه نمی آید؛ در شرایطی که به اعتراف دوست و دشمن در آبانماه زنان نقش اصلی رهبری اعتراضات خیابانی را بعهده داشتند، متوسل شدن به این پیاوه های تبلیغاتی قابل درک است. اما سوال اینجاست آیا جنبشی که محکم و خستگی ناپذیر برای آزادی زن می جنگد در برابر "قانون حمایت خانواده" خلع سلاح می شود؟

قانون حمایت خانواده چه بود؟ این اصلاح حقوقی تعدد زوجات را کمی محدود و حق طلاق برای زنان را کمی بازر می کرد. اگر مردی قصد ازدواج مجدد داشت باید از زن اول اجازه می گرفت. همین. تعدد زوجات و صیغه ممنوع نشد. جالب اینجاست که حتی زنان سنتی و مذهبی در آن دوره با پوزخند می گفتند که برای مرد کاری ندارد اجازه همسر اول را بگیرد؛ یک دست کتک جانانه امضای زن را تضمین می کند! حق طلاق هم فقط در شرایطی که مرد جنون داشت، از نظر جنسی ناتوان بود یا خرجی نمی داد برای زن ممکن شده بود. این تمام قانون حمایت خانواده "ملوکانه" بود. در زمان سلطنت نیز قوانین مدنی و خانواده منطبق با قانون شرع اسلام بود. بطور نمونه اگر مردی زنش را به دلیل ناموسی به قتل می رساند، آب از آب تکان نمی خورد؛ به برادر و پدر ممکن بود یک مجازات بسیار کم حدود دو سه سال زندان تعلق بگیرد. زن بدون اجازه شوهر حق کار و سفر نداشت. تا آنجا که به ایدئولوژی زن ستیز حاکم مربوط می شد، علاوه بر باز بودن کامل دست آخوند و مسجد و مذهب، نظرات خود شاه نیز تهوع آور است. فقط به مصاحبه اوربانا فالاجی با شاه رجوع کنید تا به عمق تعفن و عقب ماندگی این نظرات پی ببرید.

### چپ به دموکراسی معتقد نبود!

این از "کشفیات و فاکت" های جدید است. یکی از این رسانه ها برای مصاحبه درباره انقلاب ۵۷ دعوت کرده بود. در اواسط گفتگو مجری بعنوان یکی از دلایل پیروزی جنبش اسلامی "عدم باور چپ به دموکراسی" را مطرح کرد. گفت: "چپ به دموکراسی اعتقاد نداشت، همسر شما زنده یاد منصور حکمت دموکراسی را نقد کرده است، البته نقد فلسفی." عجیباً! ببینید راست به چه فلاکتی افتاده است! هراس از کمونیسیم، بویژه کمونیسیم کارگری مجبورشان کرده چه بامبول هایی سوار کنند. بگذریم که پیش از آغاز مصاحبه از من تقاضا کرده بود که وارد بحث

چهارچوبہائی را به جلسہ ارائه دادند. در این زمینہ تصمیماتی اتخاذ شد، در موردی همفکری و چهارچوبی مقدماتی کہ باید به طرحی دقیق تر بدل شود بحث شد و در بارہ بحث سازماندهی در محلات نیاز به بحث بیشتر در مورد الگوی حزب نتیجہ این مبحث بود.

در بارہ پلنوم، نشست کمیٹہ مرکزی آتی حزب، رفیق جمال کمانگر دبیر کمیٹہ مرکزی مبحث را به جلسہ ارائه داد و نشست دفتر سیاسی در بارہ محل و زمان و چهارچوب آن تصمیم گیری لازم را اتخاذ کرد. نشست دفتر سیاسی تاریخ پلنوم را بر اساس زمانبندی تقویمی و اساسنامہ ای تعیین کرد اما ہمزمان تاکید کرد کہ حزب ہمراہ با تحولات در صورت ضرور پلنوم فوق العادہ را در زمان زودتر برگزار کند.

در بحث قرارہا و قطعنامہ ہا، قرار پیشنهادی رفیق فاتح شیخ علیہ بیکاری بہ اتفاق آرای حاضرین بہ تصویب رسید (این قرار داخلی است) و جلسہ بر ضرورت عملیاتی شدن آن صحبت کرد و جلسہ باتفاق آرا بر رفع موانع اجرای آن در جامعہ تاکید گذاشت.

در مبحث انتخابات سیاوش دانشور تنها کاندیدای این پست با اکثریت آرا بہ ریاست دفتر سیاسی انتخاب شد. سپس جلسہ از میان کاندیداہا برای عضویت در ہیئت اجرایی دفتر سیاسی حزب رفقا؛ رحمان حسین زادہ، آذر ماجدی، ناصر مرادی، پروین کابلی و عہ دارایی را بعنوان اعضای ہیئت اجرایی دفتر سیاسی برگزید. جلسہ ہیئت اجرایی حزب رفیق ناصر مرادی را باتفاق آرا بہ دبیری ہیئت اجرایی انتخاب کرد.

ہمینطور در روزہای شنبہ و یکشنبہ عصر دو جلسہ حضوری کمیٹہ سازمانده حزب با حضور اکثریت اعضا آن برگزار شد کہ ضمن بررسی دقیق گزارشات و اقدامات، تصمیمات ضروری را اتخاذ کردند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۴ بہمن ۱۳۹۸ - ۳ فورہ ۲۰۲۰

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال ارادہ مستقیم تودہ ای را ہمہ جا برپا کنید! در کارخانہ ہا و محلات شوراہا را برپا

کنید! امروز شورا ارگان مبارزہ و قیام و فردا

ارگان حاکمیت!

## نشست دفتر سیاسی

### حزب حکمتیست برگزار شد

روزہای ۲۵ و ۲۶ ژانویہ ۲۰۲۰ جلسہ دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیٹہ مرکزی حزب برگزار شد. دستور جلسہ دفتر سیاسی عبارت بود از؛ ۱- گزارش و ارزیابی از فعالیت دو ماہہ حزب بعد از کنگرہ نهم ۲- اوضاع سیاسی ایران؛ آخرین تحولات و چشم انداز اوضاع پیش رو ۳- اقدامات و پروژہ های فوری حزب ۴- پلنوم آتی حزب ۵- قرارہا و قطعنامہ ہا ۶- انتخابات بود. مباحث دیگری چہ بعنوان سمینار حزبی یا دستور از طرف رفقای دفتر سیاسی از جملہ؛ حزب و مبانی تاکتیک سیاسی (رحمان حسین زادہ)، کمونیسم کارگری و موانع و راهہای پیشروی حزب (آذر ماجدی)، خلأ رهبری در پروسہ جاری سرنگونی و پاسخ راهگشا چیست؟ (فاتح شیخ)، پیشنهاد شدہ بود کہ بدلیل کمبود زمان برگزاری آن بہ جلسات غیر حضوری و نتی دفتر سیاسی موکول شدند.

در بحث گزارش و ارزیابی از فعالیت دو ماہہ بعد از کنگرہ، رفقا سیاوش دانشور و ناصر مرادی رئیس دفتر سیاسی و دبیر اجرایی حزب، با اشارہ فشرده بہ خطوط اقدامات و فعالیتہای حزب، موقعیت و جایگاہ سیاسی حزب، پتانسیلہا و کمبودہا، ضمن ارزیابی مثبت از فعالیتہای حزب و واکنش سریع در قبال رویدادہا، بر کمبودہا و محدودیتہای واقعی، بہ ناکافی بودن آن و توان واقعی حزب کہ باید آزاد شود تاکید داشتند. در این مبحث رفقای حاضر در جلسہ عموماً ارزیابی مثبتی از فعالیتہای ایندورہ داشتند و در مواردی کمبودہا و انتقاداتی را مطرح کردند کہ مورد توافق جلسہ دفتر سیاسی بود.

مبحث اوضاع سیاسی را رفقا رحمان حسین زادہ و آذر ماجدی بہ جلسہ ارائه کردند. رفقا ضمن بررسی مؤلفہ های وضعیت سیاسی دورہ حاضر، چشم انداز تحولات را در آیندہ قابل پیش بینی با برآمدہای مجدد تودہ ای و کارگری، تشدید جدال چپ و راست و قطبی شدن اوضاع را امری مثبت و بر ضرورت آمادگی بیشتر و ایفای نقش حزب در سیر تحولات تاکید داشتند. دفتر سیاسی در این زمینہ از ہم جہتی بالائی برخوردار بود و بر نکات و مؤلفہہائی کہ در ایندورہ میتوان منشأ پیشروی و قدرتگیری کارگر و کمونیسم در سیر تحولات باشد، تاکید داشتند و بر خط مشی سیاسی روشن، وصل شدن و چفت شدن بہ رویدادہای اجتماعی و اعتراضی و سیاست و عمل رادیکال برای سرنگونی تاکید داشتند. این بحثی برای تبادل نظر، همفکری و ایجاد ہم جہتی بود و خطوط اساسی آن در اسناد کنگرہ نهم تبیین شدہ بود.

در بحث اقدامات و پروژہ های فوری حزب کہ وقت بیشتری را بخود اختصاص داد، رفقا سیاوش دانشور، صالح سرداری و عہ دارایی در بارہ مسائل میرمی مانند گارد آزادی، مسئلہ مالی، وجوہ مختلف تشکیلات داخل حزب و طرح سازماندهی در محلات، طرح ہا و

## نظام سرمایہ داری محیط زیست انسانها را در آستانه نابودی قرار داده است!

در باره سند مصوب کنگره نهم حزب

گفتگو با ملکہ عزتی و پروین کابلی



**کمونیسٹ ہفتگی:** کنگره نهم حزب سندی در باره محیط زیست با عنوان: "نظام سرمایہ داری محیط زیست انسانها را در آستانه نابودی قرار داده است!" را تصویب کرد. این سند در خطوط کلی چه میگوید و چرا سرمایہ داری را مسئول وضعیت کنونی محیط زیست میدانند؟

**ملکہ عزتی:** بله این سند در کنگره نهم حزب ارایہ شد و به تصویب رسید. در خطوط کلی این سند فشرده ادعائمانہ ما کمونیستہا علیہ تخریب محیط زیست توسط سرمایہ داری و عدم اقدام جدی و اساسی از سوی حاکمان و سران کشورهایی است کہ بیشترین سهم را در تخریب محیط زیست دارند. همزمان این سند اعلام میکند در همین دنیای امروز و با پیشرفت علم و تکنولوژی مبارزہ جدی و قاطع با تخریب محیط زیست امکان پذیر است. علیرغم بینش و نگاه نیروها و احزاب چپ و پوپولیست کہ پیشرفت تکنولوژی و صنعت را از عوامل تخریب و نابودی محیط زیست میدانند، ما در این سند اعلام کردیم بر این باور نیستیم. ما معتقدیم همین امروز و با پیشرفتی کہ در تمام زمینہ ہا موجود است میشود و میتوان از محیط زیست مراقبت کرد و مانع تخریب طبیعت و سرمایہ های موجود در آن شد بہ شرطی کہ نیرو و امکانات مالی بہ این امر اختصاص داده شود. اما سرمایہ داری و فلسفہ سودآوری سرمایہ مانع اقدامات جدی و اساسی در این رابطہ است. ما اعلام کردیم ہر چند باور ما این است کہ این معضل ہمین امروز میتواند قابل حل باشد اما با توجہ بہ فاکتور اصل سودآوری افسار گسیختہ سرمایہ بہ ہر قیمتی و استفادہ غیر مجاز از منابع طبیعی در دنیا این تنها ما کمونیستہا هستیم کہ با عزم راسخ بہ جنگ تخریب محیط زیست میرویم و خط پایانی بر این نابودی خواهیم کشید.

**کمونیسٹ ہفتگی:** آیا تخریب محیط زیست و اعمال کنترلی بر وضعیت وخیم فعلی در جامعہ سرمایہ داری ممکن نیست؟ چرا سیاستهای تاکنونی دولتها و اقدامات پیشگیرانہ جوابگو نبوده اند؟

**پروین کابلی:** انسان امروز با توجہ بہ آگاهی و دخالتگری کہ در مسائل اجتماعی دارد در تمام اتفاقاتی کہ در اطرافش در جریان است در مورد محیط زیست ہم فعالانہ تلاش میکند کہ تاثیرگذار باشد. بہ نظر من ہمین تاثیر گذاریست کہ امروز جنبشهای مختلفی را ہم در جهان علیہ تخریب کرہ زمین، آلودگی هوا، تغییرات جوی سازمان داده و مردم یاد گرفته اند تا جایی کہ برایشان امکان دارد دخالت فعال داشته باشند. امکانات بشر امروز پاسہ خیلی چیزها از جملہ معضل محیط زیست را ممکن کرده است. اگر ارادہ ای باشد، بلہ ممکن است اگر عملی نمیشود بہ مسائل دیگر مربوط است و نہ فقدان امکانات.

همین سیاستهای حداقلی دولتها، آنہم نہ ہمہ شان، اساسا بخاطر تمایل و فشاری است کہ مردم از پائین می آورند و دولتها را مجبور بہ اتخاذ یک سری اقدامات معین نمودہ اند. بہ نظر من تا حدودی تاثیر دارد و این تلاشها را نباید کلاً بی اهمیت تلقی نمود. اما این کافی نیست و

بشدت از روندی کہ در جریان است عقب است. زنگهای خطر بہ صدا درآمده اند. دانش و تکنولوژی سالہاست کہ نشان داده کہ باید در اینمورد اقداماتی اساسی را در دستور گذاشت. اما چرا این آگاهی و تکنولوژی موجود بکار نمی آید؟ جواب را باید در ماہیت سیستمهای موجود یافت. دولتها نمایندہ مردم نیستند تا بتوانند شرایط را بہ نفع ادامہ حیات و محیط زیست تغییر دهند. برخلاف پروپاگاندا دولتهای سرمایہ داری کرہ زمین از ازدیاد زاد ولد در خطر نیست بلکہ این حرص و ولع سرمایہ داری برای سود بیشتر است کہ کرہ زمین را رو بہ نابودی سوق داده است. منطق سرمایہ روشن است. تولید نہ برای بہتر زیستن بلکہ اساسا در اختیار سودآوری قرار دارد. امروز تمام مایحتاج بشر از خورد و خوراک گرفته تا پوشاک و وسایل زیستی طوری تولید میشوند کہ بیشترین سود را بہ جیب سرمایہ دار برگرداند. غیر از این جنگهایی کہ از جملہ برای فروش اسلحہ بہ مردم در نقاط مختلف جهان تحمیل میشود و ہر روزہ زندگی ہزاران انسان بیگناہ را بہ نابودی میکشند را میشود یک عامل دیگر تخریب محیط زیست نامید. پایہ اصلی بسیار از جنگها بر اساس دستیابی بہ منابع طبیعی است. دولتها و سرمایہ داران حامیان این سیاستها هستند بہ همین دلیل نمیتوانند سیاستهایی بنیادی اتخاذ نمایند کہ بہ این روند پایان بخشد.

**کمونیسٹ ہفتگی:** دور جدیدی از جنبش اعتراضی در دفاع از محیط زیست توسط نسل جدید و جوانان در سالهای اخیر راہ افتادہ است. این جنبش چہ حرف جدیدی در قبال محیط زیست دارد و راہ حلش چیست؟

**ملکہ عزتی:** نگرانی نسل جوان از وضعیت وخیم محیط زیست و تلاش و اعتراضشان قابل تقدیر است. آنها دنیا و کرہ خاکی را بخودشان و بہ آیندگان متعلق میدانند و از عملکرد و بی مسئولیتی دولتها و احزاب حاکم عصبانی هستند. یک رگہ نسبتاً قوی در این اعتراضات حتی مخالف احزاب محیط زیستی پارلمانی است و منافع و محاسبات کاسبکارانہ آنها را ندارند. اما خط حاکم براین اعتراضات علیرغم نگرانی برحقی کہ دارند مسئولین واقعی این اوضاع را زیر سوال نمیبرد. لذا با این سیاست من این جنبش را بہ نوعی ادامہ حرکات همان نهادہایی میدانم کہ تا امروز در این زمینہ فعالیت کردہ اند. همان احزاب سبز و ارگانهایی کہ بہ اشکال مختلف تلاش میکنند قوانینی را بعنوان مثال بہ

## نظام سرمایه داری محیط زیست انسانها را در آستانه نابودی قرار داده است ...

**کمونیسیت هفتگی:** در ایران مسئله محیط زیست در وخیم ترین موقعیت است و دولت و هیئت حاکمه اسلامی نیز بجای انجام اقداماتی در باره این مسئله مهم به فعالین محیط زیست حمله میکند و برایشان پرونده سازی امنیتی میکند. این سند راجع به وضعیت محیط زیست در ایران و جنبش انقلابی سرنگونی چه میگوید و چه توقعی دارد؟

**پروین کابلی:** شما به مسئله مهمی اشاره کردید. حکومت ایران یک دیکتاتوری فاسد و جنایتکار است. بدلیل فساد و دزدی و چپاولگری که جمهوری اسلامی و حامیانش در ایران در چهل سال گذشته در پیش گرفته اند روند تخریب منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست انسانها و از بین بردن حیوانات و جنگلهای طبیعی به نسبت مناطق دیگر دنیا سرعت بیشتری داشته است. خشکسالی های چندین ساله در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان و کم آبی در بسیار از نقاط، طوفانهای شنی، سیل، خشک شدن رودخانه و دریاچه ها، از بین رفتن گونه های جانوری، تنوع زیستی و در پی همه این جابجا شدن جمعیت از مناطقی که دیگر قابل زیست نیست، میبایستی برای هر حکومتی یک هشدار جدی باشد.

مردم مترقی و پیشرو در ایران مدتهاست به این خطر واقفند. از چندین سال پیش جنبش های خودجوش مردم برای مبارزه با این روند شکل گرفته است. مثلا در بسیاری از مناطق مردم با همیاری به گردآوری و پاکسازی تالاب ها و یا جنگلهای می پردازند. درخت کاری میکند، آموزش میدهند و تلاش میکنند اذهان عمومی را متوجه خطری که در پیش است بکنند. برای کودکان مدارس جنگل شناسی ایجاد کرده اند. همه اینها با شدیدترین سرکوب دولت مواجه شده است. دلیل این را باید فقط در این دانست که این روند به نفع انباشت سرمایه دلالتان محلی و دولتی نیست. فروش جنگلهای اگر متوقف شود در وهله اول سود مقاطعه کاران دولتی و انواع و اقسام آیت اله ها را از بین میبرد. زمینهایی که در مسیر جاری شدن سیل ساخته میشود اساسا در دست بساز و بفروش ها است. در همین راستا است که میبینیم جمهوری اسلامی با وحشیانه ترین روشها برای مقابله با این روندی که از میان مردم شکل گرفته مقابله میکند. فعالین جنبش محیط زیست را اعدام و زندانی میکند.

پیام سند مصوب کنگره حزب روشن است. ما میگوئیم محیط زیست انسانها برای انسانهایی که در آن زندگی میکنند مهم است و به این توجه داریم. ما میگوئیم انسان و طبیعت تخصص و دشمنی ذاتی باهم ندارند و این تناقض و تضاد مصنوعی مثل بسیاری از تضادهای تصنعی دیگر میتواند حل شود. اگر این مشکل هر روز حاد میشود مانعی وجود دارد، منافی وجود دارد و توجه را به برداشتن این مانع و این منافع جلب میکنیم. مبارزه علیه تخریب محیط زیست و نجات زندگی و طبیعت در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی در وهله اول و سیستم سرمایه داری در قدم بعدی است. علیرغم پیشرفت تکنولوژی و دست آورد بشر، سود آوری سرمایه امکان یک زندگی امن و سالم را از مردم سلب نموده است. تا زمانی که سرمایه داری حاکم است بطور ریشه ای نمیتوان از تغییر برای این وضعیت صحبت کرد. این سند روشن و قاطع اعلام میکند که پیروزی بر تخریب محیط زیست و نابودی آن تنها در گرو پیروزی آلترناتیو کارگری میباشد. محیط زیست یک مسئله جدی طبقه کارگر است. طبقه کارگر بعنوان سازنده هر روزه جامعه منافی در تخریب محیط زیست ندارد اما سرمایه داران دارند.

فعالیت صنعتی و تولیدی اعمال کنند و بدرجه ای فاکتور محیط زیستی را وارد فعل و انفعالات اقتصادی کنند. مسئله ای که هر روز بیشتر از دیروز با تناقضات حرکت سرمایه با این قوانین روبرو میشود و آنها هم خود بخشی از این پروسه هستند. بطور کلی حرف تازه ای برای گفتن ندارند. سیاست جدید و پیش برنده ای ندارند. به منشا اصلی نابودی محیط زیست نمیپردازند. به ریشه های این تخریب دست نمیبرند. از همان هایی که در این نابودی روزافزون سهم بسزایی دارند میخواهند که اقداماتی جهت جلوگیری از این تخریب و نابودی منابع زیست و طبیعت انجام بدهند. انگشت اشاره کماکان و عمدتا بطرف رشد بی رویه تکنولوژی است. هنوز باورهای پوپولیستی بر این اعتراضات حاکم است. اما یک اصل مهم این اعتراضات حضور نسل جوان و معترضی است که حاضر به سکوت نیست و نمیخواهد نظاره گر خاموش تخریب و نابودی طبیعت برای نسل های بعد باشد. این شور و هیجان در این نسل قابل احترام است. اما اگر در همین حد باقی بماند و منجر به اقدام عملی مهمی نشود در حد تبلیغات و ویتترین سازمان ملل باقی خواهد ماند. تبدیل به سپر دفاعی سرمایه داری در این رابطه خواهد شد. هر چند وقت یکبار یا نمایندگان آنها به کنفرانسها و سمینارها دعوت خواهند شد و سخنرانی خواهند کرد و تشویق هم میشوند اما در اساس در بر همان پاشنه ای خواهد چرخید که تا امروز شاهد آن بوده ایم. تخریب بیشتر و رشد بیمارگونه سرمایه داری که فقط در خدمت تامین بیشتر زندگی لوکس تعدادی معدود خواهد بود و در مقابل زندگی صدها میلیون انسان در کره زمین در معرض نابودی قرار میگیرد. تا زمانی که نقش صاحبان قدرت و سرمایه و انحصار تکنولوژی توسط این اقلیت در این اعتراضات برجسته نشود و فعالین این جنبش اعتراض خود را متوجه نفس موجودیت و حاکمیت انحصاری سرمایه و نقش آن در تخریب محیط زیست نکند در سطح همین اندازه از اعتراضات باقی خواهد ماند. احزاب طرفدار محیط زیست سالهاست به کشتی هایی که به صید نهنگ میروند حمله میکنند، اعضایشان به آن کشتیها رنگ میپاشند و مانع حرکت آنها میشوند، اما تا به حال قادر نبوده اند به ممنوعیت این قانون یک قدم هم نزدیک شوند. جنگلهای آمازون در شرف نابودی هستند آنها هنوز خودشان را با طناب به درختان میبندند. کسانی که این تحرکات را سازمان میدهند در نفس خود قابل احترام هستند اما واقعیت دنیای موجود چیز دیگری است. سرمایه داری امروز این اعتراضات را که پایه واقعی و اجتماعی دارند، به کردورهای سازمان ملل هدایت میکند ولی به کمترین تعهدات خویش در این زمینه پایبند نیست.

این نسل تازه پا به میدان گذاشته اگر همان راه را ادامه دهند که به نظر چنین میرسد به همان سرنوشت احزاب سبز و طرفداران محیط زیست تبدیل خواهند شد.

**نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!**



وضعیت تغییر میکند. مسئله محیط زیست امری صرفاً کشوری نیست و ابعاد منطقه‌ای و جهانی دارد اما تصور اینکه یک جامعه و مجموعه‌ای از جوامع میتوانند سرعت این بحران را تخفیف و بر آن فائق آیند مشکل نیست. بسیاری از ابزارها و وسائل مورد استفاده امروز که تخریب‌گر محیط زیست هستند صرفاً بدلیل ارزان بودن آنهاست و گرنه میتوان با استفاده از انرژی پاک و توانایی‌های علمی و تکنولوژیک به بهترین وجهی سرعت بر مشکلات عدیده فائق آمد. این میتواند منطق و تصویری باشد که جامعه از یک حکومت انقلابی کارگری و سوسیالیستی داشته باشد.

**گمونیست هفتگی:** این سند مصوب کنگره حزب چه فراخوانی راجع به خواست توده‌ای در قبال بحران محیط زیست دارد؟ آیا این سند حل این بحران و یا تخفیف جدی آنرا به سوسیالیسم موکول میکند؟

**پروین کابلی:** همانطور که قبلاً گفتیم حل بحران یا دستکم امکان تخفیف جدی آن همین امروز در همین جامعه وجود دارد و مبارزه جاری نیز قصد دارد که بورژوازی‌ها را بدرجه‌ای افسار زنده و وادار به رعایت حداقل‌هایی کند. اما اگر این بحران حل نمیشود و هر روز تشدید میشود دیگر به رقابت و منافع سرمایه‌داران و دولتهایشان برمیگردد که ظرفیت آنرا دارند در چند ساعت دنیا را نابود کنند. لذا حل بحران محیط زیست در گرو پیروزی آلترناتیو سوسیالیستی است. این سند بروشنی میگوید که؛ "سرمایه‌داری امروز علیرغم ظرفیتهای عظیم علمی و تکنولوژیکی قصد کنترل و حل بحران محیط زیست را ندارد و مشخصاً حل بحران محیط زیستی وخیم در ایران به پیروزی کارگری در تحولات آتی گره خورده است. ما بروشنی اعلام میکنیم که احزاب بورژوائی ایران بنا به ماهیت سرمایه‌دارانه و دفاعشان از تداوم وضع موجود، قادر نیستند کمترین بهبودی در وضعیت محیط زیست ایجاد کنند، حل این بحران کار طبقه کارگر و کمونیست‌هاست".

طبقه کارگر و زحمتکش‌ان جامعه بیشترین ضرر را در تداوم این وضعیت متحمل شده و میشوند. راه دیگری وجود ندارد. حتی در کشورهایی که مردم حق اعتراض و متشکل شدن دارند سیستم حاکم بر جامعه نتوانسته و قادر نیست راه حلی جدی برای این روند را ارائه دهد. ما هیچ چیزی را به فردا موکول نمیکنیم. جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی وارد مقطعی سرنوشت ساز شده است. مردم دیگر حاضر به قبول وضع موجود نیستند. محیط زیست و آلودگی هوا یک بحران جدی را در زندگی مردم موجب شده است و علت اصلی این بحران هم متوجه جمهوری اسلامی است. تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی آلترناتیو سوسیالیستی امکان دستیابی به یک محیط امن و سالم امکانپذیر میباشد.

\*\*\*

**تفاوت یک نظام سوسیالیستی با نظام سرمایه‌داری در پایه‌ای‌ترین سطح اینست که سوسیالیسم یک جامعه انسان محور است و سرمایه‌داری یک جامعه سود محور. سوسیالیسم یک نظام اقتصادی - اجتماعی بر اساس رفع نیاز فرد و اجتماع است و سرمایه‌داری بر اساس حرص و ولع سیری ناپذیر عده‌ای قلیل و فردپرستی مبتذل فرد بورژوا. نظام سوسیالیستی در پی رفع تناقض انسان و طبیعت است و سرمایه‌داری بدنبال ویرانی کره‌خاکی بخاطر کسب سود بیشتر.**

## نظام سرمایه‌داری محیط زیست انسانها را

### در آستانه نابودی قرار داده است ...

**گمونیست هفتگی:** چرا در یک نظام سوسیالیستی مسئله محیط زیست میتواند دگرگون شود؟ جامعه چه تصویری باید از اقدامات آتی یک دولت انقلابی کارگری در قبال بحران محیط زیست باید داشته باشد؟

**ملکه عزتی:** تفاوت یک نظام سوسیالیستی با نظام سرمایه‌داری در پایه‌ای‌ترین سطح اینست که سوسیالیسم یک جامعه انسان محور است و سرمایه‌داری یک جامعه سود محور. سوسیالیسم یک نظام اقتصادی - اجتماعی بر اساس رفع نیاز فرد و اجتماع است و سرمایه‌داری بر اساس حرص و ولع سیری ناپذیر عده‌ای قلیل و فردپرستی مبتذل فرد بورژوا. نظام سوسیالیستی در پی رفع تناقض انسان و طبیعت است و سرمایه‌داری بدنبال ویرانی کره‌خاکی بخاطر کسب سود بیشتر. لذا در جامعه‌ای که توسط یک دولت انقلابی کارگری اداره میشود از نظر ما کمونیستها مبنا تامین سود و امکانات در جهت رفاه یک اقلیت کوچک نیست بلکه بدوا لغو امتیازات این اقلیت ناچیز است. آنچه که در خدمت رفاه و خوشبختی عموم مردم باشد نمیتواند همزمان ویرانگر و مسبب تخریب محیط زیست و زندگی همان انسانها باشد. تامین رفاه عمومی و استفاده از نعمات طبیعی بر اساس نیاز، و نه سوداندوزی عده‌ای قلیل مانع خواهد شد که منابع طبیعی و محیط زیست تخریب و آلوده شود. یک حکومت انقلابی کارگری با هدف استفاده از منابع طبیعی در جهت تسخیر بازار فروش و به اسارت در آوردن انسانها قطعا قدمی برنخواهد داشت. شهروندان آزادی که برای ارتقا زندگی و شکوفایی خلاقیت فردی و جمعی شان تلاش میکنند، علی‌القاعده خانه خود را به آتش نمی‌کشند. در حکومت کارگری با انقلاب اقتصادی و الغای مناسبات بورژوائی مبتنی بر مالکیت خصوصی و بردگی مزدی مالکیت اشتراکی را بر همه دارائی‌ها اعمال خواهد کرد و لذا اصولاً فرصتی برای تداوم سیاستهای سرمایه‌داری و اینجا تخریب محیط زیست فراهم نخواهد شد. آنجا از بازار و رقابت وحشیانه سرمایه‌داران و صدور سرمایه‌خبری نیست و هر آنچه که در تضاد با طبیعت و حفظ منابع طبیعی و محیط زندگی انسانها باشد قطعا ممنوع اعلام میشود. آلودگی هوا بخاطر تولید خارج از مصرف و عرضه آن در بازار قطعا پایان خواهد یافت. شکوفایی و رشد و رفاه جامعه نباید در تضاد با حفظ طبیعت قرار بگیرد. هارمونی مابین طبیعت و انسان باید در بالاترین شکل ممکن حفظ شود. امروز جمعیت فقر زده در بسیاری از کشورها خصوصاً در قاره آفریقا شاهد بحران زباله در طبیعت محل سکونت خویش هستند. آنها قربانیان زباله گردی و بازیابی فلزات و مواد بیماری‌زایی هستند که بخاطر تامین معاش و گذران زندگی به آن روی آورده‌اند، آنها در فقر مطلق و بیشرمی بورژوازی هر روزه با مرگ روبرو میشوند. این فاجعه قطعا و مطلقاً در یک حکومت انقلابی کارگری اتفاق نخواهد افتاد. این باید تصویر انسانهای امروز از یک آینده مرفه و سعادت‌مند در یک حکومت سوسیالیستی باشد. اگر فکر میکنیم بحران محیط زیستی امروز نتیجه مستقیم عملکرد نظام سرمایه‌داری است و ضایقتهای شیک سران این کشورها بطور واقعی بدنبال راه حل عملی جهت حل بحران محیط زیست نیست، باید تضمین کنیم در یک حکومت انقلابی کارگری این



## "انتخابات بی انتخابات" رای مردم سرنگونی است!

سعید یگانه

هر روز بیشتر زیر بار فقر و ناداری خرد می شوند، نه با مضحکه انتخابات مجلس اسلامی و نه با هیچ ترفند دیگری پر نخواهد شد و مرهمی بر دردهای بی درمان جمهوری اسلامی نخواهد بود.

امروز رژیم اسلامی هر چقدر قدرت مانور داشته باشد و از همه ابزارهای ممکن برای به سرانجام رساندن این مضحکه استفاده کند، اما دغدغه اصلیش ماندن و نماندن است. و دغدغه اصلی مردم نیز همین معادله است. روزگار رژیم سیاه و غرق در بحرانهای غیر قابل علاج است. می خواستند با سیلی کارنوالهای اسلامی و نماز جمعه ها صورت خود را سرخ نگه دارند و به هوادارانشان روحیه بدهند، اما خیزشهای بعدی در دانشگاهها و میادین شهرها و محکومیت جنایت رژیم در کشتار مردم بیگناه در سقوط هواپیمای اکرانینی همه را به حاشیه راند و جواب دندان شکن از مردم معترض دریافت کردند.

"انتخابات بی انتخابات"! رای مردم سرنگونی و رفتن کلیت رژیم اسلامی است. این انتخاب اکثریت مردم است. این انتخاب کارگران و مردم محروم و گرسنه ای است که ماهها حقوق دریافت نمی کنند و روز را به شب و شب را با آرزوی فردایی بهتر به سر می برند. این انتخاب اکثریت زنانی است که از فقر و تبعیض و نابرابری و اختناق اسلامی به تنگ آمده اند. این انتخاب میلیونها جوانی است که بیکارند، شغل ندارند و سینه خود را آماج گلوله سرکوبگران قرار دادند. این انتخاب جوانانی است که کوچکترین امیدی به فردایی بهتر تحت حاکمیت یک مشت جنایتکار و فاسد و سرکوبگر ندارند.

انتخابات دردی را از جمهوری اسلامی درمان نمیکند. صورت مسئله اصلی میان مردم گرسنه و بیکار و محروم با جمهوری اسلامی و فاکتور تعیین کننده در این مناسبات جنگی است که مردم بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی آغاز کرده اند و ادامه خواهد یافت و امروز نیز این فاکتور تعیین کننده در مناسبات جمهوری اسلامی در بیرون مرزها می باشد. جمهوری اسلامی در مقابل جز کشتن و دستگیری و زندان و شکنجه ابزار دیگری در اختیار ندارد. این ابزار نیز در مقابل قدرت مقاومت مردم رنگ باخته است. روز انتخابات، روز اعتراض به کلیت موجودیت رژیم استعمارگر و مستبد اسلامی است. مرگ بر جمهوری اسلامی شعار مردم است. بساطتان را جمع کنید!

۴ فوریه ۲۰۲۰

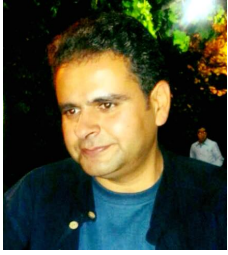
**روز انتخابات، روز اعتراض به کلیت موجودیت رژیم استعمارگر و مستبد اسلامی است. مرگ بر جمهوری اسلامی شعار مردم است!**

کمتر از سه هفته به برگزاری مضحکه ترین انتخابات در جمهوری اسلامی یعنی انتخابات مجلس اسلامی باقی مانده است. بنا به موقعیت سیاسی جامعه ایران و کشمکش دائم میان مردم انقلابی و جمهوری اسلامی بر سر بود و نبود رژیم، اکنون دیگر ضرورتی برای توضیح خوب و بد بودن انتخابات، یا انتخاب "بد و بدتر" در جمهوری اسلامی و یا اینکه همه انتخاباتها در جمهوری اسلامی مضحکه و سیرکی بیش نیست وجود ندارد. وقتی مردم در خیابانها خواست سرنگونی را علنا فریاد میزنند و خواهان رفتن رژیم هستند، یعنی اینکه خود رژیم و هیچ انتخاباتی را در جمهوری اسلامی نه برسمیت میشناسند و نه مشروعیتی برای آن قائل هستند. و نه تنها این، اگر بتوانند و زورشان برسد، روز انتخابات کذایی مجلس اسلامیشان را نیز به روز اعتراض و نفرت علیه کلیت رژیم سرمایه داری اسلامی تبدیل خواهند کرد و این انتخابات را بر سرشان ویران خواهند کرد.

شرکت در انتخابات مشغله مردم نیست. رفتن رژیم اسلامی مشغله است و به مطالبه عمومی و خواست اکثریت مردم تبدیل شده است. مردمی که از دست فقر و ناداری و گرانی و تورم و سرکوب و اختناق اسلامی به تنگ آمده اند دلیلی برای شرکت در این مضحکه نمی بینند. تضاد میان مردم به تنگ آمده و جمهوری اسلامی آنچنان عمیق است که خود رژیم اسلامی هم مطمئن نیست که این انتخابات را بدون دردسر و مزاحمت برگزار کند. حتی اصلاح طلبان حکومتی که خطر سرنگونی را بیخ گوششان احساس می کنند، نیز جرئت ندارند همانند دوره های گذشته مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کنند. آنقدر آبروباخته و مورد تفرند.

اگر تاکنون انتخاباتها فرصتی بوده که رژیم اسلامی با فریب و نیرنگ و عوامفریبی و با پرچمهای اصلاحات و سبز و بنفش رمقی به آن بدهند و مشروعیتی فرمال برای خود دست و پا کنند، این دوران نیز برای جمهوری اسلامی به سر آمده است. تنور انتخابات سرد و بی رمق است و از نظر مردم انقلابی و سرنگونی طلب که به کل موجودیت رژیم اسلامی معترضند، با اعتراض و مبارزه و شعارهایی که در طول دو سال گذشته و بخصوص در اعتراضات آبانماه علیه کلیت رژیم سر داده اند، این انتخابات را بسیار بیشتر بی رمق و بی خاصیت تر می بینند و پیشیزی برای آن قائل نیستند.

خروجی این انتخابات هرچه باشد، از نظر مردم سرنگونی طلب تکرار سناریویی مشابه و بدتر از گذشته است و راهیابی گله ای دیگر از کهنه پاسدار و فاسد و سینه چاک رژیم با تقلب و کثافتکاری همیشگی برای لغت و لیس امورات خود خواهد بود و به مردم محروم بی ربط است. آن دره و شکاف عمیقی که میان مردم، بخصوص طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه که زندگی و معیشتشان تماما به گروگان گرفته شده و



البته تاریخ شاهد تجربه های شیرین و تلخ بسیار از این دست هست.

بدنبال شکلگیری تمایلات سوسیالیستی در میان کارگران و ظهور اتوپی های سوسیالیستی، به جرات و با قاطعیت میتوان ادعا نمود که انتقاد سوسیالیستی طبقه کارگر و عروج کارل مارکس در

تعریف این نوع از کمونیسیم، آغازگر راهی شد که تا به امروز و در دنیای سرمایه داری، هرکجا سخن از آزادی و برابری است، تفکر و عمل و جنبش سوسیالیستی تنها آلترناتیو و یگانه راه نجات بشر در بند و عاصی از مصائب نظم کنونی است. تمامی حرکت‌هایی که در قالب جنبش‌های ملیگرایانه یا مذهبی و یا در دفاع از یک نژاد و تیره و رنگی از انسان وجود داشته، در نهایت نه تنها به راهی بشر و حتی مردمی که ادعای رهائی ایشان را داشته اند نینجامیده، بلکه بواسطه ذات تبعیض گرش در واقع آب در آسیاب ماشین مهیب سرمایه ریخته و انسانهای محروم آن جامعه را بیشتر در رنج و مصیبت فرو برده است.

انقلاب سال ۵۷ در ایران، معاصرترین تجربه از تحول سیاسی است که شکست و سرکوب آن توسط ضد انقلاب اسلامی سرشار از درس‌های بعضاً دردناک و هولناک از سیر به قهقرا بردن جامعه ای بود که برای تحقق آزادی و رفاه بپاخاسته بودند. مردمی که در نهایت سهمشان کندویی پر از ارتجاع و عقب افتادگی اسلام سیاسی شد که نه تنها جامعه ایران بلکه مردم منطقه و بسیاری از سایر نقاط جهان هم از آسایش در امان نماند. هدف من از این نوشته سوگ سروده در مورد انقلاب ۵۷ نیست، زیرا در این مورد هزاران متن و سمینار و سخنرانی در قالب تفسیر و توصیف و بازبینی انجام شده است. به باور من وقتی یک امر واقع رخ میدهد، سوا از اینکه به مذاق ما خوش بیاید یا نه، تَر آن لحظه به بعد فقط تجربه و شاید گفت جراحی آن است که در فراروی ما قرار دارد. تمدن بشری یک امر سیال و دینامیک است و بصورت جبری در حال تغییر. تجارب بشری اگرچه امکان دارد مانند ۵۷ و بسیاری از انقلابات و تحولات دیگر ظاهراً به نتایج مطلوب نرسیدند و چند نسل را به خود مشغول نماید، اما سن تمدن بشر در حال گذر است و تنها راه حل درس گرفتن از تجارب تاریخی و به پیش رفتن است.

اما انقلاب ۵۷ چرا واقع شد؟ خلاصه ترین شرح اینست که این یک انقلاب شهری بود در یک جامعه تازه صنعتی و متفاوت با تحولات ماقبل خود. انقلابی برای آزادی و رفاه و توقع انسان آنروز از خود و مقدوراتی که وجود داشت. در دهه ۵۰ بواسطه بالارفتن ناگهانی قیمت نفت، ثروت کشور به یکباره زیاد گردید، کارخانه ها و صنایع فزونی یافت، خرده بورژوازی و لایه میانی شهری فریه گشت، کشاورزی بدنبال رفم ارضی دهه ۴۰ از رونق افتاده بود، نیروی وسیع جدید کار از روستاها به شهرها روانه شده و دموگرافی جامعه دگرگون شده بود و بالطبع خواسته ها و نیازهای جدید شکل گرفتند. همراه با آن حکومت سلطنتی روز به روز به سمت دیکتاتوری عریان و سرکوب و اعدام مخالفین سیاسی جلو میرفت، ایران تک حزبی شد و ساواک و

صفحه ۱۳

## ما کجای انقلاب ۵۷ ایستاده ایم؟

### وریا روشنفکر

تمام پیشرفت بشر و تغییرات ماندگار با انقلاب رخ داده است. انقلاب یک تحول عینی و واقعی است و امری اختیاری یا دستوری نیست. انقلاب صنعتی (Industrial revolution) که در سیر تاریخ جوامع بعنوان انقلاب صنعتی اول نیز شناخته شده؛ سرآغاز تغییرات و دگرگونیهای عظیمی در تاریخ بشر معاصر می باشد. از دگرگونی در کشاورزی و سیستم و شیوه تولید فئودالی حاکم از حدود ۱۷۶۰ میلادی تا ۱۸۲۰ و ۱۸۴۰ ابتدا در انگلستان و سپس در کل اروپا و آمریکا پدید آمد. در تعریف انقلاب صنعتی و بورژوازی معمولاً سخن از عروج دو طبقه است؛ یکی کارفرمایان و صاحبان سرمایه و دیگری طبقه تولید کننده این نظم جدید یعنی طبقه کارگر. این تحول از شیفتی حاصل شد که حرکت در سیستم کشاورزی به سوی صنعتی شدن و ایجاد مانوفاکتور و کارخانه و همراه آن تولید کنندگانی مزدبگیر که دیگر صاحب زمین و مالکیتی نیستند و بعنوان کارگر تنها نیروی کارشان را در بازار کار در ازای مزد در اختیار کارفرما قرار میدهند تا وی نیز در پروسه تولید بکار گیرد. بورژوازی که خود با انقلاب علیه نظام کهن بقدرت رسید خیلی سریع و بدلیل سرشت سودپرستی اش در مقابل کارگران قرار گرفت. طبقه ای که خواسته هایش با کل بنیانهای حاکم تا آن روز متفاوت و بعضاً متضاد بود و بالطبع باعث ایجاد رخدادهای عظیم و تلاشهای رادیکال برای تغییر گردید. نیردی آشکار و عریان بین طبقه حاکم استثمار کننده و طبقه محکوم استثمار شوند آغاز شد و زمینه های انقلاب علیه نظم حاکم در میان پرولتاریا نضج گرفت.

در بریتانیا پس از چند قرن تحول سیاسی داخلی، توسعه مستعمرات و تجارت، گسترش ناوگانهای دریایی و بهبود امور نظامی، بوجود آمدن صنایع بزرگ و متوسط و شکلگیری طبقه کارگر صنعتی، رشد طبقه میانی یا خرده بورژوازی، نیاز به قوانین و حقوق و خواست و ضرورت تغییر در زندگی کارگران بافندگی و زغال سنگ و ذوب آهن، که به یکباره رقیبی چون ماشین را در صنعت برابر خود دیدند و هر روز شاهد فریه شدن طبقه حاکم و استثمار خود بودند، آغازگر ماراتونی گردید بین کارخانه داران و تاجران که بدنبال نیروی کار و بهره کشی تا عمق آسیا و آفریقا را غارت نمودند و طبقه فرودستی که هرروز بیشتر به این واقعیت دردناک پی میبرد که تنها سهمش از این ماشین مهیب سرمایه زنجیرهای آشکار و پنهان اوست. همراه با این اوضاع و احوال اجتماعی و اعتراضات اولیه کارگران، بروز و ظهور حرکت‌های اعتراضی و اجتماعی و به تبع آن نظریه های سیاسی در تلاش برای راهی انسان دربند، از این دوره به بعد با سرعتی بمراتب بسیار بیشتر از کل تاریخ تمدن بشر رخ داد. خواست آزادی و برابری و رفاه و امنیت اجتماعی هر روز در میان محرومان و فرودستان قوت بیشتر میگرفت و در این میان از روشنفکران و نظریه پردازان طبقه حاکم تا انقلابیون و فعالین جنبش های اجتماعی عرض اندام میکردند و

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**



## ویروس کرونا چیست و چقدر باید نگران باشیم؟

روزنامه گاردین سوم فوریه ۲۰۲۰

ترجمه از: جمال کمانگر

تأیید کرده است. از ۳ فوریه، ۳۶۱ نفر در چین و یک نفر در فیلیپین جان باختند. تعداد مبتلایان طبق آمارهای دولتی ۱۷۲۳۸ نفر است و آمار رسمی چین شامل تایوان، هنگ کنگ و ماکائو نیز میشود. در خارج از چین بیش از ۱۵۰ نفر تاکنون مبتلا شده اند. دو نفر از اعضای یک خانواده پس از آزمایش از این ویروس در انگلیس روی ۱۶۰ نفر که منفی بوده است تأیید شده اند. تعداد واقعی مبتلایان به این ویروس می تواند به مراتب بیشتر باشد زیرا ممکن است افرادی با علائم خفیف تشخیص داده نشده باشند. براساس الگوبرداری که توسط کارشناسان سازمان بهداشت جهانی در امپریال کالج لندن صورت گرفته است، ممکن است صدهزار مورد وجود داشته باشد، بدلیل عدم اطمینان کامل رقمی بین ۳۰ تا دویست هزار کیس را مد نظر دارند.

کارشناسان (بهداشت) چقدر نگران هستند؟

این نگرانی ها وجود دارد که احتمال دارد ویروس کرونا در طول تعطیلات سال نو چینی که از ۲۴ ژانویه آغاز شده است و میلیون ها چینی برای جشن گرفتن به خانه هایشان می روند گسترش یابد. هر چند این جشن ها تا حد زیادی لغو شده و ووهان و دیگر شهرهای چین در استان هوبی کاملاً قرنطینه شده است. در حال حاضر، افرادی که از نظر سلامتی وضعیت نامناسبی دارند مانند مواجهه به ویروس آنفولانزا بیشتر در وضعیت خطر قرار دارند. نگرانی اساسی دامنه شدت علائم بیماری در افراد مختلف است. ویروس کرونا در برخی از افراد فقط علائم خفیفی دارد در حالی است که در برخی دیگر به شدت بیمار می شوند. این امر باعث شده است که تعداد واقعی افراد آلوده و میزان انتقال را دشوارتر می کند. اما مسئولین امر مایل هستند که جلوی شیوع این ویروس را بگیرند و نگران این هستند که این ویروس می تواند از آنچه تاکنون هست قوی تر شود.

آیا اگر سرفه دارم باید به پزشک مراجعه کنم؟

مگر اینکه اخیراً به چین سفر کرده باشید یا با کسی که به ویروس آلوده شده است در تماس باشید، باید هرگونه سرفه یا علائم سرماخوردگی را به صورت عادی درمان کنید. سازمان بهداشت ملی بریتانیا توصیه می کند که به طور کلی نیازی به مراجعه به پزشک برای سرفه نیست، مگر اینکه مداوم باشد یا به علائم دیگری از قبیل درد قفسه سینه، مشکل در تنفس دچار شوید و یا احساس ناخوشایندی دارید.

چرا این بدتر از آنفولانزای طبیعی است؟

ما هنوز نمی دانیم ویروس کرونا جدید چقدر خطرناک

علائم ناشی از ویروس کرونا که در شهر ووهان چین شیوع پیدا کرد، چیست، چگونه گسترش می یابد و چه زمانی باید به پزشک مراجعه کرد؟ ویروسی که باعث بیماری در ووهان شد چیست؟

ویروس کرونا از مجموعه بزرگتری از خانواده این ویروس است که تاکنون در حیوانات هم مشاهده نشده بود. بسیاری از کسانی که آلوده شده اند یا در بازار عمده فروشی غذاهای دریایی هوانا در مرکز شهر چین کار می کنند و یا اغلب آنها را خرد می کنند، که حیوانات زنده و تازه ذبح شده را نیز می فروختند. ویروس های جدید و نگران کننده معمولاً در میزبان حیوانات سرچشمه می گیرند. ابولا و آنفولانزا مثالهای دیگری هستند.

آیا تاکنون ویروس کرونا در جاهای دیگر وجود داشته است؟

سندرم تنفسی حاد شدید (سارس) و سندرم تنفسی خاورمیانه (مرس) هر دو در اثر ویروس ناشی از عروق کرونوی ویروس ناشی از حیوانات ایجاد می شوند. اگرچه اعتقاد بر این است که مرس از شتر به انسانها منتقل می شوند، میزبان اصلی برای هر دو نوع ویروسهای کرونا احتمالاً خفاش ها بوده اند. در سال ۲۰۰۲، سارس تقریباً بدون کنترل در ۳۷ کشور گسترش یافت و باعث وحشت جهانی شد، بیش از ۸۰۰۰ نفر را آلوده کرد و بیش از ۷۵۰ نفر را کشت. ویروس مرس به نظر رسید به راحتی از انسان به انسان دیگر منتقل نمی شود، اما مرگ و میر بیشتری دارد. ۳۵٪ از حدود ۲۵۰۰ نفر آلوده به این ویروس را کشت.

علائم ناشی از ویروس ووهان (کرونا) چیست؟

این ویروس باعث ذات الریه می شود. گزارش شده است: افرادی که بیمار شده اند دچار سرفه، تب و مشکلات تنفسی می شوند. در موارد شدید می تواند باعث نارسایی اندام های داخلی بدن باشد. از آنجا که این عفونها ویروسی است، آنتی بیوتیک ها برای درمان فایده ای ندارند. داروهای ضد ویروسی که در برابر آنفولانزا در بازار موجود است، مؤثر نیستند. اگر افراد در بیمارستان بستری شوند، ممکن است از ریه ها و دیگر اعضای داخلی بدن مراقبت کنند. بهبودی افراد مبتلا به قدرت سیستم ایمنی بدن آنها بستگی دارد. بسیاری از کسانی که جان خود را از دست داده اند در حال حاضر از نظر سلامتی ضعیف بوده اند.

آیا این ویروس از یک شخص به فرد دیگر منتقل می شود؟

کمیسون بهداشت ملی چین انتقال ویروس کرونا از انسان به انسان را

گویا دوران کمونیسم و سوسیالیسم بپایان رسیده و تمام شده است، کمتر از چند سال دوام نیافت و حتی نظریه پردازانی چون فکویاما که در "پایان تاریخ" شان مرگ سوسیالیسم را نوید داده بودند، لب به اعتراف گشوده و سخن اش را پس گرفت. در جهان امروز از حاکم و محکوم تغییر بنیادی را فقط با سوسیالیسم نداعی می‌نمایند. لذا از انقلاب ۵۷ تا امروز آرمان رهائی علیرغم تمام مشقاتی که نسلمها متحمل شدند، به حکم ورشکستگی و ناتوانی سرمایه داری هنوز و بیشتر از هر زمان سوسیالیسم در دستور روز است.\*

## ما کجای انقلاب ۵۷ ایستاده ایم؟ ...

دستگاههای اطلاعاتی جامعه را به اختناق سنگین رانده بودند. این وضعیت با اولین بحران ترک خورد، اعتراض در جامعه رشد کرد، حاشیه نشینی گسترش یافت، اگرچه لایه ای نازک وضع شان روز بروز بهتر میشد اما اکثریت جامعه ایران طبقه فرودست شهری بودند که سهمشان از این تغییرات فقر، حاشیه نشینی، تبعیض، نابرابری، سرکوب، زندان و ساواک بود. تغییر و دگرگونی در چنین جامعه ای ناگزیر است و تلاش برای ایجاد جامعه ای نو یک امر بدیهی. این تلاقی به انقلاب انجامید.

## ویروس کرونا چیست

### و چقدر باید نگران باشیم؟ ...

است و تا زمانی که اطلاعات بیشتری داده نشود، نمی دانیم. ۱۷۰ مورد مرگ در حدود ۷۷۰۰ مورد گزارش شده به این معنی است که میزان مرگ و میر در حدود ۲٪ است. با این حال احتمال زیادی وجود دارد که افراد بیشتری مبتلا شده اند، اما علائم شدیدی را برای حضور در بیمارستان نشان نداده اند و به همین دلیل شمارش نشده اند. برای مقایسه، آنفولانزای فصلی به طور معمول میزان مرگ و میر زیر یک درصد را دارد و تصور می شود که سالانه در حدود چهارصد هزار نفر مرگ و میر در سطح جهان رخ می دهد. سارس بیش از ۱۰٪ مرگ و میر داشت. یکی دیگر از مهمترین معلوماتی که دانشمندان باید در هفته های آینده دریافت کنند، این است که کرونا ویروس چقدر مسری است. یک تفاوت اساسی در این است که برخلاف آنفولانزا، واکسنی برای ویروس کرونا جدید وجود ندارد، به این معنی که برای اعضای آسیب پذیر جمعیت - افراد سالخورده یا افراد دارای مشکلات تنفسی یا ایمنی موجود - برای محافظت از خود دشوارتر است. در صورت احساس ناخوشایند شدن دست و اجتناب از سایر افراد از اهمیت زیادی برخوردار است. یک اقدام معقول دریافت واکسن آنفولانزا است که در صورت شیوع آن به اپیدمی گسترده تر، فشار بر خدمات درمانی را کاهش می دهد.

### آیا باید وحشت کنیم؟

خیر. گسترش ویروس در خارج از کشور چین نگران کننده است اما قابل انتظار است. موضوع اصلی این است که این ویروس کرونای جدید بین افراد تا چه حد قابل انتقال است و چه نسبتی از جمعیت به شدت بیمار می شوند و به بیمارستان مراجعه میکنند. غالباً ویروس هایی که به راحتی گسترش می یابند، تأثیر ملایمی دارند.

افرادی که به مناطق آلوده سفر میکنند و به طور غیر منتظره ای با علائم تنفسی مواجه میشوند، کارکنان بهداشت و درمان را در معرض خطر بیشتری قرار دارند. به طور کلی، به نظر می رسد که ویروس کرونا افراد مسن را در معرض خطر جدی قرار میدهد. تاکنون تعداد کمی از موارد در کودکان مشاهده شده است.

\*\*\*

به باور من به همان مقدار که ارتجاع مذهبی در تلاش است که با جعل تاریخ، انقلاب ۵۷ را یک خواست مذهبی و درون اجتماعی نشان دهد دور از واقعیت است که چپ سنتی که در محاسباتش با مذهب پیوند یافت و خود را در به اصطلاح ضد امپریالیسم خمینی شریک دید. انقلاب ۵۷ نه تنها مذهبی نبود، نه تنها محصول شبکه مساجد و آخوندها نبود، نه تنها علیه "شکوه ایران و تمدن چند هزار ساله" نبود، که به همان اندازه ضد غرب و تمدن سنتز هم نبود. این انقلاب در واقع تلاشی بود برای بدست آوردن یک زندگی بهتر و یک شرایط مطلوب تر که بنا به محدودیتهاش و شرایط بین المللی آندوران قربانی هموردی جهانی بین دو بلوک غالب گردید. جریان اسلامی محصول انقلاب نبود بلکه برای سرکوب انقلاب بمیدان آورده شد و بعنوان "سپری سبز" در مقابل نفوذ شوروی مورد استفاده قرار گرفت. جریان اسلامی و خمینی نه محصول انقلاب بلکه محصول اتاقهای فکر بورژوازی در تقابل با کمونیسم و چپ و از کنفرانسهای نظیر گوادلوپ درآمد. ارتجاعی سیاه و عقب افتاده و کریه مانند خمینی را نه از حوزه های علمیه و حجره های مساجد بلکه از قلب تمدن اروپا و فرانسه بر مردم ایران تحمیل نمودند. ضد انقلاب اسلامی که به یکباره خود را وارث انقلابی باشکوه دید، توانست در مدت حدودا دوسال و نیم و تا خرداد ۶۰ سیر رو به جلو حرکت اجتماعی مردم ایران را برای دهه ها به عقب براند، با قتل عامی عظیم جامعه ای بیافریند که در آن اندیشه ننگ است، زن بودن جرم است، آزادی سوداست، و فساد و دروغ و تباهی ارمغان انسان!

اما برای نسل امروز مبارز در ایران که بیشترشان حتی در آن دوره چشم به دنیا نگشوده بودند، انقلاب ۵۷ درسی بسیار پرهزینه است. حکومتی که در چهار دهه تلاش نموده مذهب را در آن جامعه بر تمامی ابعاد زندگی انسان سیطره بخشد، امروز با نسلی مواجه است که در کارخانه و کوچه و دانشگاه و خیابانش سخن از سوسیالیسم و کمونیسم میگوید. نسلی که با گوشت و خون خود درک کرده که تنها راه نجاتش و تنها راه سعادت جامعه بشری در تحقق نظامی سوسیالیستی می تواند باشد. آنچه که بعنوان آلترناتیوهای نخبه از جانب ناسیونالیستها و یا مذهبیین تازه سکولار و راست ها ارائه میشود، در آزمون تاریخ تکامل بشریت مردود گشته اند. آنچه در تحولات چند دهه اخیر در دنیا روی داد و تلاشی که بعد از فروپاشی بلوک شرق در دنیا صورت گرفت که

**آزادی، برابری، رفاه!**



## اسلام دین وحشت و خشونت جنسی علیه زنان

پردل زارع

کردنشان دست به هر جنایتی از جمله اسید پاشی زده است.

مذهب و مرد سالاری آمیخته با تعصب های قومی و نژادی ابزاری برای بیحقوق کردن زنان و فرستادنشان به کنج خانه برای بچه داری و پخت و پز هستند، تمام قوانین اسلامی به نفع مرد و بر علیه زنان نوشته شده است. ملا مظهر و اسلافش مبلغ و ترویج کننده دینی هستند که هزاران گورستان بی نام و نشان از تجاوز و قتل و خشونت علیه زنان ایجاد کرده و همه این جنایات را با اتکا به شرع کثیف اسلام قانونا انجام داده اند. تنها راه برای پایان دادن به این بیحقوقی و نابرابری و توحش اسلامی بر علیه زنان سرنگون کردن حکومت های اسلامی و الغا و به زباله دان انداختن قوانین متحجر اسلامی است. زنده باد آزادی و برابری!

۰۴/۰۲/۲۰۲۰

[Pordelzarh1985@gmail.com](mailto:Pordelzarh1985@gmail.com)

در هفته های گذشته خبر بدادگاه کشاندن یکی از عوامل مرتجع اسلامی شهر هولیر به نام "ملا مظهر" توسط فعالین حقوق زنان، به دلیل فحاشی و توهین به زنان و تبلیغ چند همسری و ترویج خشونت و تبلیغ آن از تلویزیون داعشی اش به نام "آموزگاری"، در صدر خبر های کردستان قرار گرفت. خبر دادگاهی کردن ملا مظهر برای همپالگی هایش و اسلامیون مرتجع و زن ستیز توسط زنان آزادیخواه و برابری طلب بسیار ناخوشایند بود. ملا مظهر و اسلافش، دست پرورده ارتجاع اسلامی حاکم بر کردستان عراق هستند. ارتجاعی که دست مردان را برای کشتن و پایمال کردن حقوق زنان باز گذاشته است تا اینگونه بیحرمتی و توهین به زنان را به نام "دفاع از شرف و ناموس" و با دادن یک فتوا پایمال کنند. تاکنون حکومت اقلیم کردستان با وجود تمامی تبلیغات اش برای برابر کردن حقوق زن و مرد هیچ قدمی در جهت برابر کردن حقوق زنان با مردان برنداشته است و قوانین زیادی برای خانه نشین کردن و بی حقوقی کردن زنان تصویب کرده است.

چندی پیش بود که یکی دیگر از ملاهای مرتجع کردستان به نام "ملا ههلو" یکی از زنان خواننده کردستان را به دلیل اجرای آهنگ در سطح شهر "فاحشه" خواند و خواستار برخورد اسلامی با آن خواننده شد. منظور ملا ههلو از برخورد و تنبیه اسلامی این بود که باید به روش صدر اسلام آن زن را سنگسار کرد و مورد سختترین شکنجه های جسمی قرار دهی تا زمانی که بمیرد! امثال این آخوندهای مرتجع که نانشان به نادانی مردم گره خورده است کم نیستند و همیشه با دادن فتوای قتل از جهالت مذهبی مردم برفع خودشان و علیه زنان استفاد میکنند تا اینگونه راه برای سرکوب بیشتر و بیحقوق کردن زنان و سکسیسم نهفته در دین هموار کنند.

همینطور مدتی پیش بود که تلویزیون روداو گزارشی در باره گورستانی که به "گورستان بی نام و نشان ها" در شهر حلبچه شهرت یافته است تهیه و پخش کرد. گورستان بی نام و نشانها پر از اجساد زنانی است که به دست مرتجع ترین افراد و عمدتا خانواده شان کشته شده اند و بدون هیچ نام و نشانی در این گورستان چال شده اند. موضوع تبلیغ کردن چند همسری، کشتن زنان، پایمال کردن حقوق زنان تنها مربوط به کردستان نیست بلکه در تمامی جوامع اسلامی زنان به شیوه برده وار مورد ظلم و ستم قرار میگیرند. در کردستان ایران تنها در عرض شش ماه بیش از صد زن به دلیل مشکلات خانوادگی و اذیت و آزار توسط مرد های خانواده و وجود قوانین زن ستیز دست به خودکشی زده اند و تنها در عرض سال جاری بیش از چندین زن قربانی دست ارتجاع و مردسالاری شده اند. رژیم اسلامی ایران یکی از حکومت هایی است که زنان را به شیوه های مختلف خانه نشین کرده و همیشه برای سرکوب



**اتحاد کارگران شاغل و بیکار علیه بیکاری!**

## کمکهای مالی دریافتی

۲۹۶ یورو  
۱۵۰۰ کرون

ابراهیم باتمانی  
محمود شهابی

## ویروس کرونا، روش پیشگیری

## از بولتن وزارت بهداشت کانادا:

لطفاً به خانواده ها ، اقوام و دوستان خود اطلاع دهید

عفونت تنفسی کرونا که در حال حاضر در چین شایع می باشد بسیار جدی است. ویروس ایجاد کننده آن بسیار قدرتمند بوده و در برابر آنتی بیوتیک های موجود مقاوم است. ویروس عفونت باکتریایی نیست بنابراین نمی توان آن را با آنتی بیوتیک ها درمان کرد.

روش پیشگیری اکنون مرطوب نگه داشتن گلو است ، اجازه ندهید گلو شما خشک شود. بنابراین خود را تشنه نگه ندارید زیرا وقتی غشای گلو شما خشک شد ، ویروس در طی ۱۰ دقیقه می تواند به بدن شما حمله کند. با توجه به سن در هر بار خوردن آب ، آب گرم ۵۰-۸۰ سی سی برای بزرگسال ها ، ۳۰-۵۰ سی سی برای بچه ها بنوشید. هر وقت احساس کردید گلو شما خشک است ، صبر نکنید ، آب را در دست بگیرید. مقدار زیادی نوشیدن آب مطرح نیست و کمکی نمی کند ، بلکه مرطوب نگه داشتن گلو مد نظر است. بنابراین همچنان به مرطوب نگه داشتن گلو ادامه دهید. تا پایان ماه مارس ، به مکانهای شلوغ نروید ، ماسک لازم را مخصوصاً در قطار یا حمل و نقل عمومی بپوشید.

از خوردن غذاهای سرخ شده یا تند خودداری کنید و ویتامین C را زیاد مصرف کنید.

## علائم / توضیحات عبارتند از:

- ۱ - تب بالا تکرار شونده
- ۲ - سرفه طولانی پس از تب
- ۳ - کودکان بیشتر مستعد هستند.
- ۴ - بزرگسالان معمولاً احساس ناراحتی ، سر درد و عمدتاً بیماریهای مرتبط با تنفس می کنند.

این بیماری بسیار مسری است.



## کمپین کمک مالی به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## به حزب کمک مالی کنید!

کمونیست ها ، کارگران ، مردم آزادیخواه!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ، برای پروژ های سیاسی مشخص و تعیین کننده ای در ایندوران پرتلاطم نیازمند کمک مالی فوری است. حزب حکمتیست بعد از کنگره موفق نهم تلاش دارد به نیازهای مبارزه کمونیستی امروز و صف مبارزه رادیکال با جمهوری اسلامی پاسخ درخور دهد و این مبارزه را همراه با طبقه کارگر و کمونیست های ایران به پیروزی برساند. حزب پروژه های مختلفی را در دستور دارد و برای راه انداختن جدی آن نیازمند کمک مالی است.

حزب از هیچ دولتی کمک مالی دریافت نمیکند و متکی به همت اعضا و کادرها و دوستداران خویش است. ما اعضا و کادرها و تشکیلاتهای حزب را فرامیخوانیم در دوره فشرده دو ماهه اول سال ۲۰۲۰ یک اولویت اساسی خود را روی سازماندهی جمع آوری کمک مالی بگذارند. همینطور کلیه اعضای حزب بویژه کادرها و اعضای رهبری حزب آغاز این کمپین را با پرداخت سهمیه فردی خود ، حداقل ۵۰۰ یورو آغاز کنند. فراخوان ما اینست که سهم تان را به هر میزانی که برایتان مقدور است ادا کنید. توقع حزب اینست که در کمپین و تلاش مالی ما برای تحکیم و گسترش فعالیت حزب در ایندوره خطیر شرکت کنید و خود بعنوان فعال جمع آوری کمک مالی پیش بیافتید. نشریه هفتگی حزب ، لیست کمک های دریافتی را اعلام میکند. کمکهای مالی را از طریق شماره حساب مرکزی حزب و یا از کانال تشکیلاتهای محلی حزب میتوانید به حزب حکمتیست برسانید.

## شماره حساب مرکزی حزب،

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۳ دیماه ۱۳۹۸ - ۲ ژانویه ۲۰۲۰

اعلامیه حزب حکمتیست در باره،

## مضحکه انتخابات مجلس اسلامی

### "انتخابات" رژیم را با اعتراض گسترده درهم بکوبیم!

می‌کنند. دو سال پس از خیزش توده ای دیمه و اکنون پس از قیام آبانماه و حمام خونی که این رژیم جنایتکار براه انداخت، هر ذره امید را به اینکه بتوان مردم را پای صندوق ها کشاند به نامیدی بدل شده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را فرامیخواند که نمایش "انتخابات" مجلس جنایتکاران را به اعتراضی گسترده و میلیتانت علیه بنیادهای حکومت اسلامی بدل کنیم. نه فقط به رژیم قاتلین فرزندانمان آگاهانه رای نمیدهیم و آنرا برسمیت نمی‌شناسیم، بلکه هدفمان را باید اعتراض تند و جمع کردن هر کمپین "انتخاباتی" در محلات و حوزه‌های انتخابی در هر شهر و روستا بگذاریم. اولاً، باید به کسانی که برای این سفره خون ثبت نام کرده اند هشدار داد و معنی کارشان را بعد از کشتار آبانماه به آنها فهماند. ثانیاً، اجازه نباید داد که کارنوال انتخاباتی راه بیاندازند، تریبون بگیرند و چرند بگویند و به زخم مردم نمک بپاشند. هر تحرک "انتخاباتی" را به تعرضی قاطع تبدیل کنیم. این ابواب جمعی رژیم اسلامی هستند که روی خونهای ریخته شده راه میروند و برای نمایندگی حکومت سرکوبگران و شکنجه گران و مجلس قاتلین کاندیدا میشوند. ما این وقاحت را نباید تحمل کنیم و تحمل نمیکنیم. ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به اعتراض سراسری با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" در این روز فرامیخوانیم. اینها در موضع انتخاب شدن نیستند بلکه باید بعنوان متهمین به جنایت و کشتار جمعی مردم ایران پشت میز محاکمه نشانده شوند!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ آذر ۱۳۹۸ - ۱۹ دسامبر ۲۰۱۹

جمهوری اسلامی میخواهد مضحکه انتخابات مجلس یازدهم را در دوم اسفند برگزار کند. این باصطلاح "انتخابات" قرار است روی سنگفرش‌های خونین آبانماه، روی دوش هشت هزار بازداشتی تحت شکنجه، روی تلی از اجساد ترورهای سیاه و داغ سنگین بازماندگان جانبختگان و مردم آزادیخواه ایران برگزار شود. کمترین انتظار اینست که نگذاریم این نمایش فریب، این مناسک اسلامی که هدفش تأیید نظام و شلیک‌ها و سرکوب‌هاست، برگزار شود. نباید اجازه دهیم خامنه ای و روحانی و شرکا از مردم قربانی با "رای" حتی بصورت فرمال کسب "مشروعیت حقوقی" کنند و آنرا وثیقه سرکوب جامعه از یکسو و لغت و لیس حکومتی از سوی دیگر کنند. در دیمه گفتیم؛ "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا!" در آبانماه آمدیم که ماجرا را تمام کنیم. کسی که انتظار دارد مردم در "انتخابات" شرکت کنند، اگر همدست خامنه ای‌ها نباشد، بدون تردید با آنها منفعت مشترکی دارد. کسی که می‌رود "رای" میدهد، خواسته یا ناخواسته، به حکومت قاتلین فرزندان مردم "رای" میدهد!

اگر طی دو دهه اخیر مضحکه انتخاباتی فرصتی بود برای رژیم اسلامی تا با زور و فریب و دروغ بخشی از مردم را به پای صندوق‌ها بکشاند و طی کمپین "انتخاباتی" توجه‌ها را از ریشه مصائب و فلاکتی که جامعه را فراگرفته تا حدودی منحرف کند؛ اکنون این مضحکه بد جوری گریبان‌شان را گرفته است. بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان حکومتی تحت فشار خیزش توده ای و مبارزات طبقه کارگر چرخش موضع داده و به جریان راست رژیم چنجی پیوسته اند. در میان خالصین و مخلصین نظام، کسانی که در تمام جنایات این رژیم شریک و سهیم بوده اند، و با هدف نجات نظام به جناح اصلاح طلبان حکومتی پیوستند، از جمله خاتمی، کروی و موسوی از سوراخ بیرون آمده و ضمن دفاع از "انتخابات" نگرانی‌شان را از سرنوشت رژیم بیان

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

زنده باد سوسیالیسم!